

تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان

(پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)

جهانگیر جهانگیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۳

فاطمه ابوترابی زارچی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۶

چکیده: اعتماد به عنوان پایه و اساس تعاملات و روابط اجتماعی، خاصه در روابط بین مردم و حکومت اهمیت بسیاری دارد. نتایج مطالعات انجام شده در سطح کشور حاکی از این است که میزان اعتماد سیاسی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون پیوسته یکسان نبوده است. این دسته از مطالعات، عوامل متفاوتی را برای این وضعیت برشمرده‌اند. این مطالعات به دانشجویان به عنوان کنشگران فعال سیاسی کمتر توجه داشته‌اند. این پژوهش سعی دارد تا با بهره‌گیری از روش پیمایش، عواملی را که با اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز در ارتباط است، مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق سعی شد تا با استفاده از نظریه اینگلههارت تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، دینداری، رضایت از زندگی، استفاده از رسانه‌ها و ساختارهای فوق فرهنگی بر اعتماد سیاسی دانشجویان بررسی شود. در این تحقیق نظام سیاسی، کنشگران و نهادهای سیاسی به عنوان ابعاد اعتماد سیاسی در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تنها ۲۶/۷ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی پایین هستند، و ۵۶/۳ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی متوسط و ۱۷ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی بالا می‌باشند و اعتماد به نظام سیاسی بیش از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. بر اساس نتایج حاصل از رگرسیون گام‌به‌گام می‌توان گفت که از بین متغیرهای وارد شده در رگرسیون چندمتغیره به ترتیب متغیرهای دینداری، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، عضویت در گروه‌های سیاسی - دینی، رضایت از زندگی، مذهب (شیعه) و عضویت در گروه‌های فرهنگی، باقی‌مانده‌اند که در مجموع ۴۷/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند. متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی رابطه مثبت معناداری با اعتماد سیاسی دارد ولی میزان درآمد دارای رابطه منفی معنادار با اعتماد سیاسی است. همچنین رابطه بین متغیرهای سطح تحصیلات و قومیت با اعتماد سیاسی معنادار شد.

کلیدواژه‌ها: دانشجویان، رضایت از زندگی، سرمایه اجتماعی، دین، رسانه‌های جمعی.

* استادیار گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول). jjjahangiri@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی. fabootorabi@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

مقدمه

اعتماد، یک مؤلفه ضروری در همه روابط مستمر اجتماعی است و تنظیم کننده روابط افراد جامعه و نحوه کنش‌های آنها نسبت به هم در همه محیط‌های کنشی می‌باشد. عرصه سیاسی را می‌توان یکی از این محیط‌های کنشی، دانست که اعتماد در آن متوجه روابط بین مردم و حکومت است. اهمیت اعتماد سیاسی را می‌توان از دو جنبه مورد توجه قرار داد: یکی از منظر فوایدی است که اعتماد برای نظام سیاسی به بار می‌آورد مثل اطاعت و حمایت مردم از سیاست‌گذاری‌ها و قوانین جامعه بدون توسل نظام سیاسی به زور و خشونت و همچنین پایداری نظام سیاسی (Gershtenson, 2005) و دیگری از منظر نتایجی است که برای مردم به بار می‌آورد مثل برخورداری مردم از امنیت و آسایش و توجه به مطالبات و نیازهای مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. از آنجا که دانشجویان به‌عنوان کنشگرانی فعال در عرصه سیاسی شناخته می‌شوند و می‌توانند بر کنش‌های سیاسی دیگر افراد جامعه تأثیرگذار باشند، توجه به میزان اعتماد سیاسی آنان و میزان حمایت آنان از نظام سیاسی حائز اهمیت است. این تحقیق با هدف بررسی عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان انجام گرفته است.

۱. تحقیقات پیشین

تحقیقات نظری انجام شده در ایران نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی یکی از شاخصه‌های فرهنگ سیاسی ایران در ارتباط با نظام‌های حاکم تا پیش از انقلاب اسلامی بوده است. گراهام فولر^۱، در کتاب «قبله عالم. ژئوپلیتیک ایران» بی‌اعتمادی را یکی از عناصر فرهنگ سیاسی ایرانیان می‌داند (عباسیان، ۱۳۸۷: ۶۰-۶۱). ماروین زونیس^۲، بدبینی سیاسی و بی‌اعتمادی شخصی را از جمله ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران دوره پهلوی می‌داند. وی معتقد است که بدبینی و بی‌اعتمادی با احساس بی‌قدرتی و ناتوانی سیاسی همراه‌اند و به‌ویژه قدرت و نحوه عملکرد نظام سیاسی، تعیین‌کننده نگرش بدبینانه نسبت به زندگی سیاسی است (عباسیان، ۱۳۸۷: ۶۲). مصلی‌نژاد در خصوص نظام‌های شاهنشاهی معتقد است که یکی از شاخص‌های اصلی فرهنگ سیاسی ایران را می‌توان، عدم اعتماد برشمرد که متأثر از سنت‌های تاریخی، هویت‌های فرو ملی، فضای جغرافیایی، ویژگی روان‌شناسانه خود جمعی شده ایرانی، ارتباطات جهانی، فرآیندهای نوسازی، ناامنی‌های سیاسی و اشغال ایران توسط نیروهای خارجی است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴). عباسیان، بی‌اعتمادی و بدگمانی را یکی از شاخصه‌های فرهنگ سیاسی تبعی در ایران می‌داند. وی در تحقیق خود، منابع فرهنگ سیاسی ایران را شامل موقعیت طبیعی و جغرافیایی، موقعیت

تاریخی، دین و زبان و ادبیات فارسی می‌داند (عباسیان، ۱۳۸۷: ۷۵-۱۱۳). سریع‌القلم یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، ایران را بی‌اعتمادی شدید افراد نسبت به یکدیگر می‌داند و ریشه‌های این فرهنگ سیاسی را در نظام عشیره‌ای گذشته جستجو می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵).

شایگان (۱۳۸۷) با بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی در بین ۴۴۱ نفر از شهروندان بیست سال به بالای تهرانی دریافت که اعتماد سیاسی مردم در حد متوسطی است (۵۲٪ اعتماد سیاسی بالا) و اعتماد به نظام سیاسی بالاتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. از بین عوامل تأثیرگذار، وضعیت رفاهی، رضایت از زندگی و نگرش مردم نسبت به تلاش دولت در ایجاد رفاه اجتماعی - اقتصادی مهمترین نقش را در اعتماد سیاسی پاسخگویان دارد. همچنین سن، اعتماد بنیادی، میزان رضایت از زندگی، نگرش افراد نسبت به رضایت از عملکرد نقاط تماس، نگرش افراد نسبت به تلاش دولت برای ایجاد رفاه بالاتر، نگرش افراد نسبت به عمل به وعده مسئولان، نگرش افراد نسبت به مسئولان بلندپایه کشور، اعتقاد به دینداری مسئولان سیاسی و نگرش افراد نسبت به طبقه اجتماعی خودشان با اعتماد سیاسی رابطه مستقیم دارد ولی هیچ رابطه معناداری بین تحصیلات و اعتماد سیاسی مشاهده نشد. این تحقیق توانست ۳۹ درصد از واریانس متغیر اعتماد سیاسی را تبیین نماید.

طالبی و همکاران (۱۳۸۷) اعتماد سیاسی را در بین ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این است که متغیرهای میزان دینداری، ارزش‌های مادی و میزان استفاده از رسانه‌های داخلی با متغیر وابسته اعتماد سیاسی رابطه مستقیم دارند درحالی‌که متغیرهای ارزش‌های فرامادی و میزان استفاده از رسانه‌های خارجی با متغیر وابسته اعتماد سیاسی رابطه معکوس دارند و متغیرهای عام‌گرایی، مشارکت در انجمن‌های غیردولتی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با متغیر وابسته اعتماد سیاسی رابطه معناداری را نشان ندادند. در این تحقیق، متغیرهای مستقل ۴۲ درصد از تغییرات متغیر اعتماد سیاسی را تبیین کردند.

سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی در دو نمونه ۶۰۰ نفری از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله شهرهای مشهد و سبزوار پرداختند. آنها دریافتند که متغیرهایی چون حکمرانی خوب (نبود فساد و تبعیض و احساس امنیت اجتماعی)، سرمایه اجتماعی (عضویت در انجمن داوطلبانه بسیج)، جامعه‌پذیری در خانواده، جنس، تحصیلات و شهر محل سکونت در مجموع توانستند ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته اعتماد سیاسی کل را تبیین کنند. همچنین قدرت تبیین متغیرهای مربوط به

حکمرانی خوب به منظور تبیین اعتماد سیاسی در جامعه مورد مطالعه بالا است. متغیرهای تحصیلات و درآمد رابطه معکوس با اعتماد سیاسی داشتند.

شفیعی (۱۳۸۹) با بررسی جامعه‌شناختی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد سیاسی و اجتماعی در بین ۳۸۵ نفر از شهروندان یزدی دریافت که میزان اعتماد اجتماعی ۶۲ درصد پاسخگویان بالا، ۳۷/۵ درصد متوسط و ۰/۵ درصد پایین بود. میزان اعتماد سیاسی ۲۴/۷ درصد پاسخگویان بالا، ۵۴/۴ درصد متوسط و ۲۰/۸ درصد پایین بود. میزان اعتماد اجتماعی و سیاسی زنان بیش از مردان و افراد متأهل بیشتر از مجردین بود. اعتماد اجتماعی و سیاسی با متغیر زمینه‌ای سن رابطه دارد. اعتماد اجتماعی و سیاسی با میزان استفاده از رسانه‌های داخلی رابطه مثبت معنادار و با میزان استفاده از رسانه‌های خارجی رابطه منفی معناداری را نشان دادند. بین میزان استفاده از کل رسانه‌های جمعی با اعتماد اجتماعی و سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد. مطالعات مزبور و مشابه آنها (نک. ملک‌پور ۱۳۸۱؛ صفدری ۱۳۷۴؛ یوسفی ۱۳۷۹) حکایت از اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع در جامعه ایران دارد.

۲. مبانی نظری تحقیق

در ادبیات جامعه‌شناسی انواع متعددی از اعتماد مطرح است. به‌عنوان نمونه بعضی از اندیشمندان، اعتماد بین شخصی را مطرح می‌کنند که با اشکال دیگر اعتماد تحت عنوان اعتماد اجتماعی متفاوت است. در واقع دوایر متحدالمرکزی از اعتماد (شعاع اعتماد) عبارتی که توسط فوکویاما^۳ مطرح شد (۱۹۹۵)، وجود دارد که به تدریج گسترش یافته و از ملموس‌ترین روابط بین شخصی تا انتزاعی‌ترین موضوعات اجتماعی را شامل می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴: ۴۸). در بیشتر ادبیات مربوط به اعتماد، بین اعتماد خاص گرایانه که به مشاهدات فردی یک شخص و تجربیات معتمد بودن یک فرد خاص در طول زمان محدود است و اعتماد عام‌گرایانه که می‌تواند به تمام افراد و نهادهای مشابه با افراد و نهادهایی که فرد با آنها تجربه مستقیم دارد بسط یابد، تمایز قائل می‌شود. زتومکا^۴ نقش‌های اجتماعی را نیز به‌عنوان موضوعات اجتماعی انتزاعی مطرح می‌کند که اعتماد به آنها نیز مطرح است و در انتزاعی‌ترین حالت، اعتماد را در بین نهادها و سازمان‌ها مثل مجلس نمایندگان، دادگاه‌های قضایی و امثال آن می‌بیند که میزان اعتماد به سازمان‌ها و نهادها در جوامع مختلف با هم متفاوت است و میزان آن در طول زمان تغییر می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۴۹). گیدنز^۵ بین اعتماد به اشخاص و اعتماد به نظام‌ها تمایز قائل می‌شود بدین معنا که اعتماد به نظام‌ها مستلزم روابط چهره به چهره نمی‌باشد در حالی که اعتماد به اشخاص نیازمند پابندی‌های چهره‌داری است که طی آن فرد به دنبال نشانه‌های صداقت دیگران است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۴-۱۰۵).

اندیشمندان سیاسی و اجتماعی اهمیت اعتماد را در چندین موضوع بیان کرده‌اند: اول این که اعتماد با مسئله مشروعیت حکومت‌ها در ارتباط است؛ زتومکا معتقد است که مفهوم اعتماد سیستمی به مفهوم مشروعیت نزدیکتر است. بر اساس نظر وبر، مشروعیت کاریزماتیک با اعتماد شخصی پیوند دارد، مشروعیت قانونی مستلزم اعتماد نهادی و کاری است اما مشروعیت سنتی مستلزم اعتماد به‌طور ضروری نیست (زتومکا، ۱۳۸۴: ۵۲). اعتماد به‌عنوان ورودی یک نظام اعم از سیاسی، حقوقی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. گیدنز از اعتماد به تخصص سیاسی سخن می‌گوید و معتقد است که حکومت‌های مدرن به رشته پیچیده‌ای از روابط اعتماد میان رهبران سیاسی و عامه مردم وابسته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۹). لوهمان^۶ معتقد است که بدون اعتماد نظام سیاسی نمی‌تواند افراد را در شرایط ناپایدار و پرخطر وادار به فعالیت‌های مددجویانه نماید. در نظر پاری^۷ وقتی قانون بتواند متکی بر قدرت کسانی باشد که به اعتماد خود نسبت به حکومت‌شان وفادار بمانند در این صورت حکومت‌ها به بهترین وجهی مورد اعتماد خواهند بود. با این همه اعتماد به رژیم، خود نتیجه‌ای از اطمینان فرد به سازوکارهای سیاسی بوده و موجه شمرده می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۶۲). دوم این که اعتماد از چند جنبه با شکل‌گیری و پایداری دموکراسی در جوامع در ارتباط قرار می‌گیرد چرا که مفهوم دموکراسی با مفاهیم فرهنگ سیاسی مدنی، جامعه مدنی، توانایی مدنی و سرمایه اجتماعی گره خورده است. در این ارتباط به چند نکته باید توجه داشت:

اول. اعتماد یکی از جهات مهم جامعه مدنی است؛ در نظر پاتنام^۸ اجتماع مدنی بر اساس سطوح بالایی از منافع سیاسی، برابری اجتماعی، اعتماد بین شخصی و انجمن داوطلبانه منجر به یک حکومت دموکراسی پایدار و مؤثر می‌شود (Winkler, 2009). الگزندر^۹ معتقد است که اجتماع منسجم، متعهد و وفادار نسبت به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد عمودی در بین نهادهای مختلف نمی‌تواند وجود داشته باشد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۷). فوکویاما اعتماد را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بنیادین سرمایه اجتماعی تعریف می‌کند. در نظر وی سرمایه اجتماعی یک توانمندی است که در نتیجه شیوع اعتماد در یک جامعه یا در برخی از بخش‌های آن محقق می‌شود. در نظر وی سرمایه اجتماعی برای ایجاد یک جامعه مدنی، گروه‌ها و اتحادیه‌های سالم که بین خانواده‌ها و دولت شکل می‌گیرد، الزامی است و ایجاد جامعه مدنی برای موفقیت دموکراسی حیاتی است (فوکویاما، ۱۳۸۳: ۲۰۷). از نظر رز^{۱۰} اعتماد شرط لازم برای جامعه مدنی و دموکراسی است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

دوم. اعتماد به‌عنوان راه‌حلی برای فرهنگ سیاسی مدنی است و بُعدی از آن در نظر گرفته شده است.^{۱۱} معتقد است که یکی از شرایط لازم برای ایجاد و تحکیم دموکراسی در

جوامع وجود اعتقادات و فرهنگ سیاسی دموکراتیک است. وی یکی از شاخصه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک را اعتماد مردم نسبت به یکدیگر می‌داند (دال، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۸۴). در نظر آلموند و وربا^{۱۲}، اعتماد، بازتابی از فضای گسترده از اعتماد به وجود آمده بین افراد جامعه است. در واقع اعتماد عمومی قابل تبدیل به اعتماد سیاسی است. در نظر آنها رقابت سیاسی و اعتماد متقابل یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مدنی است (Almond & Verba, 1963: 129). رنی^{۱۳} در کتاب حکومت، اعتماد به مردم و اعتماد به نهادها را از مهمترین عناصر فرهنگ سیاسی می‌داند. در نظر وی میزان اعتماد مردم به یکدیگر در کشورهای مختلف متفاوت است. مردم در برخی از کشورها احساس می‌کنند تنها به اعضای درجه اول خانواده خود می‌توانند اعتماد کنند و دیگر کسان دشمن بالقوه‌اند (رنی، ۱۳۷۴: ۹۵). همچنین وی معتقد است که هر حکومتی خواه قدرت‌طلب یا دموکراتیک، جز آن که به پذیرش اختیاری قوانین از سوی شهروندان تکیه کند راهی ندارد. نخستین شرط لازم برای چنین پذیرشی، اعتماد مردم بر این اصل است که اولیای امور مقام خود را بنا بر استحقاق به دست آورده‌اند. تصمیمات را از طریق درست اجرا کرده و به حیطة خصوصی و شخصی دست‌اندازی نمی‌کنند. جایی که چنین اعتمادی زیاد باشد، دولت‌ها برای مقابله با قانون‌شکنان به نیروی بسیار کمی نیازمندند. اما از آن‌جا که مشروعیت مورد تردید باشد قانون‌شکنی به مسئله مهم بدل می‌شود (رنی، ۱۳۷۴: ۹۵-۹۶). اینگلهارت^{۱۴} معتقد است که فرهنگ سیاسی روی این مسئله بحث می‌کند که لازمه شکل‌گیری و تکامل دموکراسی و پایداری آن، پیدایش خصلت‌های حمایتی و نگرش‌های معین در بین عامه مردم است وی این نگرش‌ها را با نام ارزش‌های وجودی معرفی می‌کند که یکی از اساسی‌ترین این نگرش‌ها احساس اعتماد بین شخصی است (اینگلهارت ۱۳۷۳؛ ۱۳۸۳؛ Inglehart & Welzel 2003). همچنین پاتنام نشان می‌دهد که عناصری مانند اعتماد که برای مفهوم فرهنگ مدنی آلموند و وربا اهمیت زیادی داشتند، می‌توانند پایداری یا ناپایداری دموکراسی در بخش‌های مختلف ایتالیا را به خوبی تبیین نمایند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

سوم. اعتماد جزئی از توانایی مدنی است و پیش‌شرطی برای مشارکت سیاسی تلقی می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

چهارم. اعتماد یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها است که می‌توانند با ایجاد تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). کار پاتنام در باب مشارکت در سازمان‌های اختیاری در جوامع دموکراتیک مثل ایالات متحده، استفاده از

چشم‌انداز سرمایه اجتماعی را بازتاب می‌دهد. او استدلال می‌کند که روابط اجتماعی و درجه مشارکت، حاکی از درجه سرمایه اجتماعی در یک جامعه است. این روابط و مشارکت، هنجارهای اجتماعی و اعتماد را ارتقا می‌دهد که برای تولید و حفظ رفاه جمعی، مرکزی هستند (Lin, 2003: 23). وی سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه‌ها متمایز می‌سازد. از نظر وی سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر، اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). بنابراین با انواع سازمان‌ها یا انواع سرمایه‌های اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا بین‌گروهی سر و کار داریم که نوع و کم و کیف هر یک از آنها تابع عوامل عدیده‌ای چون فرآیند اجتماعی شدن، آموزش‌های مدنی، تحولات فنی و ارتباطی و نوع سرگرمی‌های افراد و غیره است (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۳). فوکویاما اعتماد را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بنیادین سرمایه اجتماعی تعریف می‌کند. در نظر وی سرمایه اجتماعی یک توانمندی است که در نتیجه شیوع اعتماد در یک جامعه یا در برخی از بخش‌های آن محقق می‌شود. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی برای ایجاد یک جامعه مدنی، گروه‌ها و اتحادیه‌های سالم که بین خانواده‌ها و دولت شکل می‌گیرد، الزامی است و ایجاد جامعه مدنی برای موفقیت دموکراسی حیاتی است (فوکویاما، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

عوامل متعددی بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیرگذار است. زتومکا معتقد است که سه دسته از عوامل برای شکل‌گیری فرهنگ اعتماد در یک جامعه دخیل‌اند که عبارتند از: متغیرهای زمینه‌ای (مثل سنت تاریخی اعتماد یا بی‌اعتمادی)؛ متغیرهای مستقل (مثل شرایط ساختاری برای تجربیات مثبت یا منفی توأم با اعتماد که شامل وحدت هنجاری، ثبات نظام سیاسی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنایی با محیط اجتماعی و پاسخگو بودن افراد و نهادها است)؛ متغیرهای میانی (مثل خلیقات اجتماعی که شامل انگیزه اعتمادکردن، عملگرایی، خوش‌بینی، گرایش به آینده، تمایل زیاد کسب موفقیت است و سرمایه اجتماعی که شامل ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعدد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده سالم و اعتقادات دینی) است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۵).

در نظر رنی، جامعه‌پذیری یکی از عوامل مؤثر بر اعتماد است وی کارگزاران جامعه‌پذیری را شامل، خانواده، مدرسه، گروه همالان (دوستان و گروه‌های سنی، هم‌درسان و گروه‌های آموزشی)، رسانه‌های جمعی، گروه‌های قومی، جماعت‌ها و گروه‌های مذهبی، همکاران و گروه‌های شغلی، همسایگان، گروه‌های هم‌درآمد و طبقات اجتماعی می‌داند (رنی، ۱۳۷۴: ۹۲-۹۳).

گیدنز پایه‌های اعتماد را در جوامع سنتی و مدرن متفاوت می‌داند. در نظر وی روابط خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت از جمله زمینه‌های اعتماد در دوران قبل مدرن است در حالی که این چهار کانون اصلی اعتماد در دوران مدرن اهمیت‌ی ندارد بلکه اعتماد به نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی مورد توجه است. افراد در جامعه مدرن به بازاندیشی پیرامون بخش‌های سنتی زندگی می‌پردازند و آنچه در این فرایند مهم است مسئله ایجاد اعتماد فعالانه است یعنی اعتماد به دیگران و نهادها (از جمله نهادهای سیاسی) که باید آن را فعالانه تولید کرد و به بحث گذاشت. گیدنز معتقد است همه صورت‌های تخصص به اعتماد فعالانه نیاز دارند زیرا هر داعیه مرجعیتی در کنار داعیه‌های دیگر مرجعیت مطرح می‌شود و خود متخصصان غالباً با یکدیگر توافق ندارند. اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های تخصصی (که نظام سیاسی جزئی از آن است) در معرض تأثیر شدید از تجارب ما در نقاط دسترسی و همچنین دانش‌های روزی قرار دارد که از طریق رسانه‌های ارتباطی و منابع دیگر در دسترس آدم‌های عادی و نیز متخصصان فنی قرار می‌گیرد. در واقع در نظر گیدنز رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های الکترونیکی، فضا را برای دیالوگ سیاسی و فعالیت بیشتر و بازتابی‌تر شهروندان باز و فراهم می‌کنند و به‌عنوان یکی از ابزارهای در دسترس افراد برای بازاندیشی در نظام‌های تخصصی خاصه نظام‌های سیاسی شناخته می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۸ و ۱۲۳).

اینگلهارت معتقد است که اعتماد بین شخصی و اعتماد سیاسی یکی از مؤلفه‌های ارزش‌های وجودی یا بیان نفس است که در مقابل ارزش‌های بقا قرار می‌گیرد. در نظر وی اعتماد سیاسی متأثر از عوامل متعددی شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه وی توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌تواند بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیراتی را بگذارد. بدین معنا که اینگلهارت، توسعه اقتصادی - اجتماعی را در دو سطح فردی و جمعی بیان می‌کند. در سطح فردی میزان درآمد فرد مد نظر است و در سطح جمعی آن، پیشرفت در تکنولوژی‌های ارتباطی چون ماهواره و اینترنت و همچنین افزایش تحرک اجتماعی و افزایش عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی و تعاملاتی یا به عبارت کلی‌تر میزان سرمایه اجتماعی افراد مورد توجه است. در واقع می‌توان گفت که با گسترش صنعتی شدن و تکنولوژی‌های ارتباطی چون اینترنت که از نشانه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی است، تحرک اجتماعی مردم بیشتر می‌شود و این خود منجر به تغییر در نوع تعاملات و شبکه‌های ارتباطی افراد شده است (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۳-۳ و Inglehart & Welzel, 2010). مثلاً گسترش استفاده از اینترنت به افراد امکان عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی را داده است که این شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند پیام‌ها و معانی سیاسی را به افراد منتقل کند که بر میزان اعتماد سیاسی آنها تأثیرگذار

است. از جانب دیگر، در نظر اینگلهارت عضویت افراد در این شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود تا افراد به ابراز خود پردازند و این می‌تواند بر رضایتمندی فرد و احساس خوشبختی وی تأثیر بگذارد. در واقع با افزایش سرمایه اجتماعی فرد، میزان رضایتمندی وی از زندگی نیز بیشتر می‌شود. (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۱۹۷؛ ۱۳۷۳: ۲۴). در نظر وی بالا بودن ارزش‌های بیان نفس که اعتماد سیاسی یکی از شاخصه‌های آن است با میزان نسبتاً بالای رضایت از زندگی پیوند دارد. بر اساس نظریه اینگلهارت رضایت از زندگی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر میزان اعتماد سیاسی می‌باشد؛ بدین معنا که هر چه فرد از زندگی خود رضایت بیشتری داشته باشد؛ مشارکت مؤثرتری در عرصه سیاسی دارد (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۵). همچنین اینگلهارت معتقد است که سطح سواد عمومی و میزان تحصیلات فرد می‌تواند بر نوع جهت‌گیری‌های سیاسی و میزان اعتماد سیاسی وی تأثیرگذار باشد؛ بدین معنا که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تأکید بیشتری به نسبت شهروندان عادی بر بیان نفس داشته‌اند (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵). اینگلهارت به تأثیر مستقل ساختارهای فوق فرهنگی یا همان سنت‌های دینی و میراث مشترک تاریخی جوامع اذعان دارد. به این معنا که مذهب و قومیت افراد، مستقل از عامل توسعه اقتصادی - اجتماعی بر میزان اعتماد سیاسی افراد تأثیرگذار است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۸۴).

۳. روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه شیراز است که این تعداد تا پایان آذرماه ۱۳۸۹، برابر با ۱۴۰۲۲ نفر (۸۱۱۳ نفر زن و ۵۹۰۹ نفر مرد) نفر بوده است (سالنامه آماری دانشگاه شیراز، ۱۳۸۹). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و جدول نمونه‌گیری با سطح معناداری ۹۵٪/ تعداد ۴۰۰ نفر به دست آمد که در نهایت برای اطمینان بیشتر حجم نمونه به ۴۳۰ نفر ارتقا یافت. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است.

۴. تعریف مفاهیم

الف. مقطع تحصیلی: این متغیر در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است که مقولات آن شامل سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا می‌باشد.

ب. قومیت: تنها تعریف عمومی ارائه شده از قومیت تعریفی است که آگاهی مشترک از ریشه‌ها و سنت‌های یکسان را در بر می‌گیرد (مک لین، ۱۳۸۱: ۲۷۴). قومیت گاه به ترکیب نسبتاً پیچیده‌ای از ویژگی‌های نژادی، فرهنگی و تاریخی دلالت دارد (رابرتسون،

۱۳۷۵: ۲۳۶). در این پژوهش منظور از قومیت این است که پاسخگو خود را متعلق به کدام یک از اقوام ایرانی می‌داند که شامل اقوام فارس، لر، کرد، ترک، عرب و سایر می‌باشد.

ج. مذهب: این متغیر به صورت شیعه، سنی، زرتشتی، مسیحی و کلیمی سنجیده می‌شود.

د. درآمد ماهانه خانواده پاسخگو: منظور میانگین مقدار پولی است که تمامی اعضای خانواده پاسخگو در قبال انجام فعالیتی به صورت ماهیانه دریافت می‌کنند. این متغیر به صورت فاصله‌ای سنجیده شد.

هـ. دینداری: متغیر دینداری در این تحقیق شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی است. در این تحقیق برای سنجش این مفهوم ۱۱ گویه مطرح شد که فرد میزان موافقت و مخالفت خود را با این گویه‌ها بیان می‌کرد این متغیر به صورت کاملاً موافق (=۵)، موافق (=۴)، بی نظر (=۳)، مخالف (=۲) و کاملاً مخالف (=۱) کدگذاری شد.

و. استفاده از رسانه‌های گروهی: رسانه‌های گروهی شکل‌های ارتباطی مختلفی است که به منظور رساندن پیام به گیرندگان انبوه طرح‌ریزی شده است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۶). منظور میزان استفاده پاسخگویان از رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجله، اینترنت و پست الکترونیکی و همچنین ماهواره می‌باشد که از خیلی زیاد (=۵) تا خیلی کم (=۱) سنجیده شده است. این رسانه‌های با توجه به تحلیل عاملی به دو گروه رسانه‌های داخلی (رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجله) و رسانه‌های خارجی (اینترنت و پست الکترونیکی و ماهواره) تفکیک شد.

ز. سرمایه اجتماعی: از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر، اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگی، کارایی جامعه را بهتر کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). وی بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، تمایز قائل می‌شود. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث همگنی می‌شود و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۶).

منظور از متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی میزان معاشرت افراد با اقوام درجه یک، اقوام درجه دو، دوستان و همکاران است که از خیلی زیاد (=۵) تا خیلی کم (=۱) در تغییر است. منظور از متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، میزان عضویت افراد در گروه‌های ارادی است. این متغیر به صورت درجه عضویت افراد از عدم عضویت (=۰) تا عضویت فعال (=۲) در ۷ گروه و انجمن ارادی سنجیده می‌شود. که با توجه به نتایج تحلیل عاملی این ۷ انجمن داوطلبانه به دو گروه، انجمن‌های سیاسی - دینی (مسجد و دیگر سازمان‌های دینی و

تشکل‌های سیاسی دانشجویی مثل نهاد رهبری، بسیج، انجمن اسلامی دانشجویان (...); انجمن‌های اجتماعی - فرهنگی (انجمن‌های علمی، آموزشی و تحقیقاتی، گروه‌های هنری، گروه‌های ورزشی و تفریحی، شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند فیس بوک، مرجع متخصصان و... و همچنین انجمن‌های خیریه) تفکیک شد.

ح. رضایت از زندگی: منظور از رضایت از زندگی، ارزیابی کلی فرد از شرایط زندگی خود است. در این تحقیق برای سنجش مفهوم رضایت از زندگی از مقیاس چندگانه رضایت از زندگی که در سال ۲۰۰۱ توسط اسکات هیوینر^{۱۵} ساخته شد، استفاده می‌شود. این مقیاس پنج بعد رضایت از خانواده، محل تحصیل، دوستان، محل زندگی و خود را شامل می‌شود و فرد میزان رضایت خود را نسبت به هر یک از موارد از خیلی زیاد (=۵) تا خیلی کم (=۱) بیان می‌کند. در این تحقیق برای سنجش این مفهوم ۹ گویه مطرح شد.

ت. اعتماد سیاسی: برترز^{۱۶} اعتماد سیاسی را نگرش حامیانه و مثبت مردم نسبت به نهادهای سیاسی، اجتماع سیاسی (نظام سیاسی) و کنشگران سیاسی در جامعه می‌داند (Bretzer, 2002: 7). برای سنجش بعد اعتماد سیاسی نسبت به نظام سیاسی، ۱۰ گویه مطرح شد که در آن فرد میزان حمایت خود را از سیاست‌های نظام و میهن خود اعلام می‌کند و همچنین نوع نگرش افراد نسبت به اصل و اساس نظام نیز مدنظر می‌باشد. کنشگران سیاسی، افرادی هستند که یا با انتخاب مستقیم مردم یا انتصاب توسط مسئولان منتخب مردم، مسئولیت اجرایی را در سطوح بالا بر عهده دارند (Bretzer, 2002: 7). در این تحقیق با استفاده از ۸ گویه به سنجش بعد اعتماد سیاسی نسبت به کنشگران سیاسی پرداختیم که پاسخگویان میزان موافقت و مخالفت خود را با این گویه‌ها بیان می‌کردند. درجه پاسخ‌ها از کاملاً موافق (=۵) تا کاملاً مخالف (=۱) در تغییر بود. این گویه‌ها شامل نوع نگرش فرد نسبت به مسئولین سیاسی کشور از نظر تعهد، تخصص و کاردانی و همچنین نحوه توزیع پست‌های سیاسی می‌باشد. برای سنجش بعد اعتماد سیاسی نسبت به نهادهای سیاسی، فرد میزان اعتماد خویش را نسبت به عملکرد مواردی چون حزب اصلاح‌طلب، حزب اصول‌گرا، ادارات دولتی، دولت، مجلس، قوه قضائیه، سپاه، نیروی انتظامی، ارتش، مطبوعات و شورای نگهبان، بیان می‌کند که درجه اعتماد از خیلی زیاد (=۵) تا خیلی کم (=۱) را در بر می‌گرفت.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

نتایج تحقیق حاکی از آن است که تنها ۲۶/۷ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد سیاسی کم هستند و ۵۶/۳ درصد دارای اعتماد سیاسی متوسط و ۱۷ درصد از پاسخگویان اعتماد سیاسی زیادی دارند که در مجموع ۷۳/۳ درصد از اعتماد نسبی برخوردارند. اعتماد سیاسی از سه بعد اعتماد به نهادهای سیاسی، نظام سیاسی و کنشگران سیاسی تشکیل یافته است. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که اعتماد به نظام سیاسی بیش از دو بخش دیگر اعتماد است که این نتیجه با نتایجی که شایگان (۱۳۸۷) به دست آورده همسو می‌باشد. ۶/۵ درصد از پاسخگویان نسبت به نظام سیاسی دارای اعتماد اندکی هستند، ۴۳/۳ درصد از آنها دارای اعتماد متوسط و ۵۰/۲ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد سیاسی بالا نسبت به نظام سیاسی هستند. حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان نسبت به نهادهای سیاسی اعتماد اندکی دارند، ۴۳/۵ درصد از آنها اعتماد متوسطی نسبت به نهادهای سیاسی دارند و ۱۳/۵ درصد از آنها دارای اعتماد زیاد نسبت به نهادهای سیاسی هستند (جدول شماره ۱) که در مجموع رقم ۵۷ درصد را برای اعتماد نسبی ثبت می‌نماید که رقم خوبی ارزیابی می‌گردد.

نتایج در باب اعتماد به کنشگران سیاسی نشان می‌دهد که ۴۰/۲ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی اندک، ۵۳/۵ درصد از آنها دارای اعتماد سیاسی متوسط هستند و ۶/۳ درصد از آنها دارای اعتماد سیاسی بالا نسبت به کنشگران سیاسی هستند (جدول شماره ۱) که حکایت از ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه دارد.

جدول شماره ۱. درصد میزان اعتماد سیاسی پاسخگویان

متغیر وابسته	کم	متوسط	زیاد
اعتماد نسبت به نظام سیاسی	۶/۵	۴۳/۳	۵۰/۲
اعتماد نسبت به نهادهای سیاسی	۴۳	۴۳/۵	۱۳/۵
اعتماد نسبت به کنشگران سیاسی	۴۰/۲	۵۳/۵	۶/۳
اعتماد سیاسی کلی	۲۶/۷	۵۶/۳	۱۷

جدول شماره ۲. آزمون رابطه بین گرایش مذهبی و اعتماد سیاسی

متغیر وابسته	مذهب	فراوانی	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار	t	سطح معناداری
اعتماد سیاسی	شیعه	۳۹۶	۹۰/۸۵۶۱	۱/۰۱۶۷۱	۲۰/۲۳۲۲۵	۵/۷۷۱	۰/۳۲۴
	غیر شیعه	۳۴	۷۰/۲۰۵۹	۲/۹۶۹۱۸	۱۷/۳۱۳۱۲		

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی با گرایش‌های مذهبی رابطه معناداری ندارد. ولی می‌توان گفت که شیعیان بیشترین اعتماد سیاسی را دارا می‌باشند. این یافته تحقیق موید نظریه اینگلهارت نمی‌باشد چرا که در نظر وی اعتماد سیاسی در بین گروه‌های مختلف مذهبی متفاوت است. مذهب یکی از ابعاد ساختار فوق فرهنگی است. بر این اساس نظام توانسته مؤلفه‌های اعتماد سیاسی را در میان اقلیت غیرشیعه نیز فعال سازد.

جدول شماره ۳. آزمون رابطه بین قومیت و اعتماد سیاسی

متغیر وابسته	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	F	Sig.
اعتماد سیاسی	فارس	۳۰۲	۸۸/۴۵۰۳	۲۰/۲۷۲۴۶	۱/۱۶۶۵۵	۵/۶۲۶	۰/۰۰۰
	ترک	۳۶	۹۰/۱۳۸۹	۱۷/۷۰۴۱۶	۲/۹۵۰۶۹		
	کرد	۱۴	۶۹/۴۲۸۶	۲۰/۹۳۸۴۲	۵/۵۹۶۰۳		
	لر	۵۵	۹۷/۲۵۴۵	۲۰/۹۲۹۵۳	۲/۸۲۲۱۴		
	سایر	۲۳	۹۰/۷۸۲۶	۲۲/۹۷۰۲۵	۴/۷۸۹۶۳		
	کل	۴۳۰	۸۹/۲۲۳۳	۲۰/۷۶۲۵۴	۱/۰۰۱۲۶		

جدول شماره ۴. تفاوت‌ها در میزان اعتماد سیاسی در میان اقوام

گروه‌های قومی	میانگین	انحراف معیار	Sig.
کرد	۶۹/۴۲۸۶	۲۰/۹۳۸۴۲	۰/۰۰۶
	۸۸/۴۵۰۳	۲۰/۲۷۲۴۶	
کرد	۶۹/۴۲۸۶	۲۰/۹۳۸۴۲	۰/۰۱۱
	۹۰/۱۳۸۹	۱۷/۷۰۴۱۶	
کرد	۶۹/۴۲۸۶	۲۰/۹۳۸۴۲	۰/۰۰۰
	۹۷/۲۵۴۵	۲۰/۹۲۹۵۳	
سایر	۶۹/۴۲۸۶	۲۰/۹۳۸۴۲	۰/۰۱۸
	۹۰/۷۸۲۶	۲۲/۹۷۰۲۵	
فارس	۸۸/۴۵۰۳	۲۰/۲۷۲۴۶	۰/۰۲۷
	۹۷/۲۵۴۵	۲۰/۹۲۹۵۳	

جدول شماره ۳ و ۴ نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی با قومیت رابطه معناداری دارد. بدین معنا که میزان اعتماد سیاسی در بین اقوام، متفاوت است و بیشترین تفاوت در بین کردها از یک سو و دیگر اقوام از سوی دیگر مشاهده شد. همچنین بین دو قوم فارس و لر این تفاوت معنادار شده است. این یافته تحقیق مؤید نظریه اینگلهارت است چراکه در نظر وی اعتماد سیاسی در بین گروه‌های قومی و نژادی متفاوت است. قومیت یکی دیگر از شاخصه‌های ساختار فوق فرهنگی است.

جدول شماره ۵. آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی و اعتماد سیاسی

Sig.	F	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مقطع تحصیلی	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۸/۶۰۲	۱/۲۱۴۵۳	۲۰/۷۸۹۳۳	۹۱/۸۰۸۹	۲۹۳	کارشناسی	اعتماد سیاسی
		۱/۷۷۳۹۹	۱۹/۲۷۰۵۲	۸۲/۶۰۱۷	۱۱۸	کارشناسی ارشد	
		۴/۸۷۳۴۷	۲۱/۲۴۲۹۶	۹۰/۴۷۳۷	۱۹	دکترا	
		۱/۰۰۱۲۶	۲۰/۷۶۲۵۴	۸۹/۲۲۳۳	۴۳۰	کل	

جدول شماره ۶. تفاوت‌ها در میزان اعتماد سیاسی در میان مقاطع تحصیلی

Sig	انحراف معیار	میانگین	مقطع تحصیلی
۰/۰۰۰	۲۰/۷۸۹۳۳	۹۱/۸۰۸۹	کارشناسی
	۱۹/۲۷۰۵۲	۸۲/۶۰۱۷	کارشناسی ارشد

نتایج نشان داده شده در جداول ۵ و ۶ حاکی از آن است که اعتماد سیاسی بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت است و این تفاوت بیشتر در بین دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دیده می‌شود. این یافته تحقیق مؤید نظریه اینگلهارت نمی‌باشد چرا که در نظر وی هرچه میزان سطح تحصیلات افزایش می‌یابد میزان اعتماد سیاسی افراد جامعه نیز بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۷. آزمون ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و اعتماد سیاسی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد معتبر
اعتماد سیاسی	دینداری	۰/۵۴۴	۰/۰۰۰	۴۳۰
	رضایت از زندگی	۰/۳۳۳	۰/۰۰۰	۴۳۰
	عضویت در انجمن‌های دینی - سیاسی	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰	۴۳۰
	عضویت در انجمن‌های فرهنگی - اجتماعی	-۰/۱۴۲	۰/۰۰۳	۴۳۰
	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی	۰/۱۳۸	۰/۰۰۴	۴۳۰
	استفاده از رسانه‌های داخلی	۰/۴۲۴	۰/۰۰۰	۴۳۰
	استفاده از رسانه‌های خارجی	-۰/۳۷۴	۰/۰۰۰	۴۳۰
	میزان درآمد	-۰/۱۳۰	۰/۰۰۷	۴۳۰

با توجه به ضرایب همبستگی حاصل از آزمون همبستگی پیرسون در جدول شماره ۷، می‌توان گفت که متغیرهای رضایت از زندگی (۰/۳۳۳)، دینداری (۰/۵۴۴)، عضویت در انجمن‌های سیاسی و دینی (۰/۳۴۱)، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (۰/۱۳۸)، استفاده از رسانه‌های داخلی (۰/۴۲۴) با اعتماد سیاسی رابطه مثبت معناداری دارند ولی متغیرهای عضویت در گروه‌های فرهنگی - اجتماعی (-۰/۱۴۲)، استفاده از رسانه‌های خارجی (-۰/۳۷۴) و میزان درآمد (-۰/۱۳۰) با اعتماد سیاسی رابطه منفی معناداری دارند.

در نظر اینگلهارت در جوامعی که افراد جامعه به سطح بالایی از رضایت زندگی دست یافته‌اند اعتماد سیاسی بیشتری را شاهد هستیم. با توجه به یافته تحقیق، این بخش از نظریه اینگلهارت در زمینه ایران تأیید می‌شود.

دینداری بیشتر، در نظر اینگلهارت جزئی از ابعاد ارزش‌های بقا است که با اعتماد سیاسی رابطه معکوسی دارد. اما از آنجا که در جامعه ایران، دین با همه نهادهای اجتماعی خاصه نهاد سیاسی رابطه تنگاتنگی دارد و دین و سیاست از یکدیگر مجزا نمی‌باشد، می‌توان گفت این بخش از نظریه وی در زمینه ایران صادق نمی‌باشد و هرچه میزان دینداری افراد جامعه بیشتر باشد، افراد، نسبت به نهادها، کنشگران و نظام سیاسی اعتماد بیشتری را از خود نشان می‌دهد چرا که التزام به امور دینی در نزد نهادها، کنشگران و نهاد سیاسی، در نظر مردم یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی است.

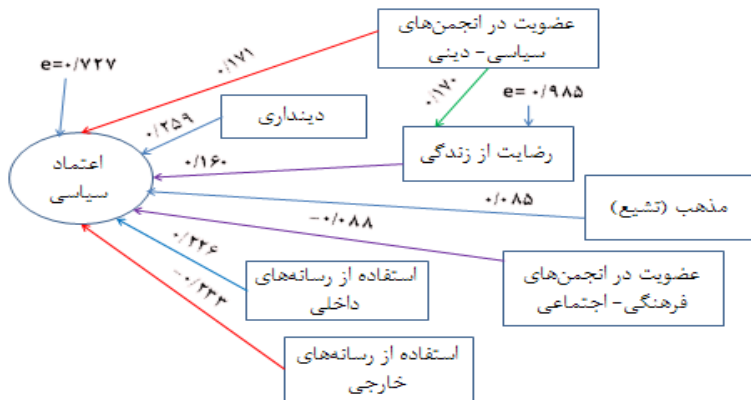
اینگلهارت معتقد است که هرچه میزان عضویت افراد در گروه‌های تعاملاتی بیشتر باشد یعنی میزان سرمایه اجتماعی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی افراد نیز افزایش می‌یابد. در این تحقیق دو بعد سرمایه اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی سنجیده شد و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در تحلیل عاملی به دو بعد عضویت در انجمن‌های سیاسی و دینی و عضویت در گروه‌های فرهنگی - اجتماعی تقلیل یافت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هرچه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی افزایش یابد، میزان اعتماد سیاسی نیز افزایش می‌یابد که این بخش از نظریه اینگلهارت تأیید می‌شود اما نتایج در دو بعد سرمایه اجتماعی برون‌گروهی متفاوت است؛ بدین معنا که با عضویت افراد در انجمن‌های سیاسی - دینی، اعتماد سیاسی افراد افزایش می‌یابد اما با عضویت افراد در گروه‌های فرهنگی - اجتماعی، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد. علت این امر را می‌توان در این مسئله یافت که افرادی با نگرش‌های سیاسی یکسان در انجمن‌های سیاسی - دینی گردهم جمع می‌آیند اما در گروه‌های فرهنگی - اجتماعی می‌توان تنوع بیشتری را در نگرش‌های سیاسی افراد مشاهده کرد. همچنین می‌توان گفت که هر یک از گروه‌های اجتماعی به‌گونه متفاوتی افراد را جامعه‌پذیر می‌سازند و افراد در هر یک از گروه‌ها با پیام‌های سیاسی متفاوتی روبه‌رو می‌شوند. در نظر اینگلهارت تکنولوژی‌های ارتباطی، این امکان را به افراد می‌دهد تا به ابراز وجود بپردازند و این امر به افزایش اعتماد سیاسی افراد جامعه کمک می‌کند. اما وی به قابلیت متفاوت رسانه‌های مختلف در فراهم‌سازی زمینه ابراز وجود برای افراد جامعه معتقد نیست. در این تحقیق دریافتیم که هر چه میزان استفاده افراد از رسانه‌های داخلی بیشتر باشد میزان اعتماد سیاسی افزایش می‌یابد و استفاده از رسانه‌های خارجی، به کاهش اعتماد سیاسی افراد جامعه منجر می‌شود. که علت این امر را می‌توان در نوع متفاوت نحوه جامعه‌پذیری سیاسی از طریق رسانه‌های مختلف دانست.

بر اساس نظریه اینگلهارت جوامعی که افراد آن از لحاظ مادی در سطح رفاهی بیشتری قرار دارند و سرانه درآمد ملی بالا باشد افراد دارای اعتماد سیاسی بیشتری هستند. اما این بخش از نظریه اینگلهارت در این تحقیق تأیید نشد. چرا که هرچه درآمد افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد سیاسی آنها کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۸. تحلیل چندمتغیره گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته اعتماد سیاسی

Sig	t	Beta	B	Std. Error	Adjusted R Square	R Square	R	مدل
۰/۰۰۰	۴/۰۸۴	۲۹/۱۵۰	۷/۱۲۷	(Constant)
۰/۰۰۰	۶/۰۳۰	۰/۲۵۹	۰/۷۳۶	۰/۱۲۲	۰/۲۹۴	۰/۲۹۶	۰/۵۴۴	دینداری
۰/۰۰۰	۵/۷۱۹	۰/۲۲۶	۲/۱۷۰	۰/۳۷۹	۰/۳۵۵	۰/۳۵۸	۰/۵۹۹	استفاده از رسانه های داخلی
۰/۰۰۰	-۵/۸۹۰	-۰/۲۳۳	-۲/۱۳۹	۰/۳۶۳	۰/۴۱۳	۰/۴۱۷	۰/۶۴۶	استفاده از رسانه های خارجی
۰/۰۰۰	۴/۳۹۸	۰/۱۷۱	۳/۲۶۷	۰/۷۴۳	۰/۴۳۴	۰/۴۳۹	۰/۶۶۳	عضویت در انجمن های سیاسی - دینی
۰/۰۰۰	۴/۱۸۱	۰/۱۶۰	۰/۷۰۰	۰/۱۶۷	۰/۴۵۱	۰/۴۵۸	۰/۶۷۷	رضایت از زندگی
۰/۰۰۲۴	۲/۲۶۸	۰/۰۸۵	۶/۵۰۴	۲/۸۶۸	۰/۴۵۷	۰/۴۶۵	۰/۶۸۲	مذهب (تشیع)
۰/۰۰۲۵	-۲/۲۵۵	-۰/۰۸۸	-۰/۸۶۲	۰/۳۸۲	۰/۴۶۲	۰/۴۷۱	۰/۶۸۶	عضویت در انجمن های اجتماعی - فرهنگی

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام حاکی از آن است که از بین تمام متغیرهای مستقلی که وارد تحلیل رگرسیون چندمتغیره شدند، تنها ۷ متغیر باقی ماندند که در مجموع توانستند ۴۷/۱ درصد از واریانس متغیر اعتماد سیاسی کل را تبیین نمایند. این متغیرها به ترتیب عبارتند از: دینداری، استفاده از رسانه های داخلی، استفاده از رسانه های خارجی، وضعیت عضویت در انجمن های سیاسی - دینی، رضایت از زندگی، مذهب (شیعه) و عضویت در انجمن های اجتماعی - فرهنگی (جدول شماره ۸).



نمودار (۱) تحلیل مسیر بر اساس یافته های تحقیق

جمع‌بندی

این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه اینگلهارت به بررسی عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخت. در سنجش اعتماد سیاسی از تعریف بریتزر بهره گرفته شد که در نظر وی اعتماد سیاسی شامل اعتماد به نظام سیاسی، کنشگران سیاسی و نهادهای سیاسی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد به نظام سیاسی بیش از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. در واقع پاسخگویان در حمایت از مبانی نظام سیاسی و مشروعیت آن اتفاق نظر دارند.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که از میان ابعاد فوق فرهنگی تنها قومیت در شکل‌دهی به اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده است؛ بدین معنا که اعتماد سیاسی در گروه‌های قومی مختلف جامعه، تفاوت دارد. این امر می‌تواند به دلیل نوع متفاوت تجربیات سیاسی اقوام مختلف در جامعه باشد. به نظر می‌رسد که پیش از این مطالعه، تحقیقات انجام شده در داخل این متغیرها را مدنظر قرار نداده‌اند.

از جمله یافته‌های دیگر تحقیق می‌توان به تأثیر تحصیلات بر اعتماد سیاسی اشاره کرد که برخلاف نظریه اینگلهارت اعتماد سیاسی با افزایش سطح تحصیلات افزایش نمی‌یابد. این یافته تحقیق با یافته‌های شایگان (۱۳۸۷) ناهمسو است اما با یافته‌های سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. دینداری از جمله متغیرهایی در این تحقیق است که رابطه مثبت معناداری با میزان اعتماد سیاسی دارد. این یافته تحقیق مؤید نظریه اینگلهارت نمی‌باشد و این امر به این دلیل است که جامعه ایران یک جامعه دینی است و نظام سیاسی بر پایه اعتقادات دینی شکل گرفته است و التزام مسئولین جامعه به امور دینی در نظر شهروندان یکی از معیارهای مشروعیت نظام سیاسی تلقی می‌شود. این یافته تحقیق با یافته شایگان (۱۳۸۷) و طالبی و همکاران (۱۳۸۷) همسو است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که هرچه رضایت از زندگی افزایش یابد، میزان اعتماد سیاسی نیز افزایش می‌یابد این یافته تحقیق مؤید نظریه اینگلهارت است. این یافته تحقیق با یافته‌های شایگان (۱۳۸۷) همسو است.

تحقیقات انجام شده در داخل در بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی، سرمایه اجتماعی را تنها در بُعد سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا همان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه مدنظر قرار داده‌اند درحالی‌که این تحقیق درصدد آن بود که به بررسی تأثیر دو بعد درون‌گروهی و برون‌گروهی سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی بپردازد. در نظر اینگلهارت سرمایه اجتماعی و عضویت فرد در گروه‌های داوطلبانه منجر به افزایش اعتماد سیاسی می‌شود. در این تحقیق سرمایه اجتماعی در دو بعد سرمایه درون‌گروهی و برون‌گروهی سنجیده شد و بُعد برون‌گروهی سرمایه اجتماعی خود به دو بعد عضویت در انجمن‌های سیاسی - دینی و عضویت در گروه‌های اجتماعی - فرهنگی تقلیل یافت. هر کدام از ابعاد

سرمایه اجتماعی روابط متفاوتی را با اعتماد سیاسی نشان دادند. بدین معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی درون گروهی میزان اعتماد سیاسی نیز افزایش می‌یابد. از آنجا که تحقیقات گذشته به بررسی رابطه بین این متغیر و اعتماد سیاسی نپرداخته‌اند؛ نمی‌توان به مقایسه این بخش از یافته‌های تحقیق با تحقیقات گذشته پرداخت. همچنین عضویت فرد در انجمن‌های سیاسی - دینی، منجر به افزایش میزان اعتماد سیاسی می‌گردد. درحالی که عضویت افراد در گروه‌های اجتماعی - فرهنگی، میزان اعتماد سیاسی افراد را کاهش می‌دهد. این یافته تحقیق با یافته‌های سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) همسو و با یافته‌های طالبی و همکاران (۱۳۸۷) ناهمسو می‌باشد. اینگلهارت معتقد است که تکنولوژی‌های ارتباطی، فضایی را برای ابراز وجود افراد جامعه فراهم می‌سازند و به افزایش اعتماد سیاسی کمک می‌کند. اما یافته‌های تحقیق نشان داد که انواع متفاوت رسانه‌های جمعی تأثیرات متفاوتی را بر میزان اعتماد سیاسی برجای می‌گذارد. بدین معنا که با افزایش استفاده از رسانه‌های داخلی اعتماد سیاسی نیز افزایش می‌یابد و با افزایش استفاده از رسانه‌های خارجی میزان اعتماد رو به کاهش می‌گذارد. دلیل این امر را می‌توان در تفاوت پیام‌های سیاسی که از سوی رسانه‌های مختلف ابراز می‌شود، یافت و همچنین باید دانست که هر کدام از رسانه‌های جمعی افراد جامعه را به گونه متفاوتی جامعه‌پذیر می‌سازند. این یافته تحقیق با یافته‌های طالبی و همکاران (۱۳۸۷) و شفیعی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد.

در این تحقیق روشن شد که میزان درآمد افراد با میزان اعتماد سیاسی رابطه منفی معناداری دارد که این یافته مؤید نظریه اینگلهارت نمی‌باشد. این یافته تحقیق با یافته سردارنیا (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره می‌توان گفت که متغیرهای دینداری، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، عضویت در گروه‌های سیاسی - دینی، رضایت از زندگی، مذهب (شیعه) و عضویت در گروه‌های فرهنگی در مجموع ۷/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند. این در حالی است که تحقیقات انجام شده توسط شایگان (۱۳۸۷)، طالبی و همکاران (۱۳۸۷) و سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) به ترتیب ۳۹ درصد، ۴۲ درصد و ۴۰ درصد از تغییرات متغیر اعتماد سیاسی را تبیین نمودند.

در مجموع می‌توان نتایج حاصل از تحقیق را در پرتو مفاهیمی چون تجربیات سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی درک کرد. بدین معنا که اعتماد سیاسی پدیده‌ای است که متأثر از شرایط عینی و بیرونی جامعه یا به عبارت دیگر، وابسته به عملکرد نهادها و کنشگران سیاسی نسبت به گروه‌های مختلف جامعه است. در واقع تفاوت میزان اعتماد سیاسی در بین گروه‌های مختلف قومی و آموزشی نشان‌دهنده تفاوت تجربیات سیاسی آنها است و تفاوت تأثیر متغیرهایی چون

میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، رسانه‌های خارجی، عضویت در گروه‌های اجتماعی - فرهنگی و عضویت در انجمن‌های سیاسی - دینی و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نیز نشان‌دهنده نوع متفاوت عملکرد آنها در جامعه‌پذیری سیاسی افراد جامعه است. اما تفاوت در تأثیر میزان رضایت از زندگی و درآمد بر اعتماد سیاسی افراد نشان‌دهنده این است که نوع روابط انسانی حاکم بین افراد جامعه یا به عبارت دیگر، رفاه ذهنی افراد جامعه بیش از شرایط اقتصادی و رفاه مادی آنها می‌تواند بر افزایش اعتماد سیاسی تأثیرگذار باشد. دینداری به‌عنوان مهمترین عامل در میزان اعتماد سیاسی نشان‌دهنده پیوند نزدیک بین اعتقادات و نگرش‌های سیاسی و اعتقادات مذهبی افراد جامعه است.

یادداشت‌ها

1. Graham Fuller
2. Marvin Zonis
3. Fucuyama
4. Sztompka
5. Giddens
6. Luhmann
7. Parry
8. Putnam
9. Alexander
10. Rose
11. Dahl
12. Almond & Verba
13. Roney
14. Inglehart
15. Scott Huebner
16. Bretzer

کتابنامه

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات روزنه.
- پاتنام، رابرت (۱۳۷۷)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- دال، رابرت (۱۳۷۹)، *درباره دموکراسی*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- رابرتسون، دیوید (۱۳۷۵)، *فرهنگ سیاسی معاصر کلید آشنایی با ایدئولوژی‌ها و اصطلاحات پیچیده*

سیاسی، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: نشر البرز.

رنی، آستین (۱۳۷۴)، حکومت: آشنایی با علم سیاست، ترجمه لی لا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: انتشارات مترجم.

سالنامه آماری دانشگاه شیراز (۱۳۸۹)، شیراز: دانشگاه شیراز.

سردارنیا، خلیل‌اله و قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا (۱۳۸۸)، «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی، شهرهای مشهد و سبزوار»، مجله پژوهشنامه علوم

سیاسی، سال ۵، شماره ۱.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

شایگان، فریبا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۴، ش ۱.

شفیعی، سمیه (۱۳۸۹)، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد سیاسی و اجتماعی

(مطالعه موردی شهر یزد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد.

صفدری، سلمان (۱۳۷۴)، رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

طالبی، ابوتراب و حیدری، سیامک و فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی

میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۴.

عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم

ایران در آینه‌ی امثال و حکم)، تهران: اختران.

عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و

امکان‌شناسی گذار»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۵.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی، در اهمیت فرهنگ، هانتینگتون، ساموئل و هریسون، لارنس؛

ترجمه گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

کوثری، مسعود (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس بی‌هنجاری سیاسی در شهروندان تهرانی،

پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶)، «درآمدی بر تبیین فرهنگی سیاست و نگاهی به رهیافت فرهنگ سیاسی در

علم سیاست»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۲، شماره ۲.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

مصطفی‌زاد، عباس (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: فرهنگ صبا.

مک‌لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر میزان.

ملک‌پور، علی (۱۳۸۱)، تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران، تهران: نشر آزادگان.

ولزل، کریستین و اینگلهارت، رونالد و کلینگ‌مان، هانس - دیتر (۱۳۸۲)، توسعه انسانی نظریه‌ای درباره

تغییر اجتماعی، هادی جلیلی، تهران: انتشارات طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

همو (۱۳۸۲)، **فراسوی چپ و راست**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

همو (۱۳۸۳)، **فرهنگ و دموکراسی**، در اهمیت فرهنگ، هانتینگتون، ساموئل و هریسون، لارنس،

ترجمه گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

همو (۱۳۸۴)، **چشم‌اندازهای جهانی**، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.

یوسفی، علی (۱۳۷۹)، **بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر**

تهران، مشهد، و یزد

، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

Almond, Gabriel Abraham and Verba, Sidney (1963), **The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations**, New Jersey: Prinction University Press.

Bretzer, Noreen, Ylva (2002), **How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?** PHD Theses, University of Gothenburg, Sweden, From: WWW.Google.Com.

Gershtenson, Joseph (2005), **“Reconsidering Political Trust”**, Prepared for delivery at the Annual Meeting of the Kentucky Political Science Association, Bowling Green, Kentucky. March 4-5, 2005. From www.kpsaweb.org/.../2005/Gershtenson.ReconsideringTrust.pdf.

Inglehart, Ronald & Welzel, Christian (2010), "Changing mass priorities: the link between modernization and democracy", **perspectives on politics**, Vol. 8, Issue. 2

Inglehart, Ronald & Welzel, Christian (2003), "political culture and democracy:analyzing croos-level linkages.", **Comparative Politics**. Vol. 36, No. 1.

Lin, Nan (2003), **Social Capital: Theory of Social Capital and Action**, Cambridge: Cambridge University Press .

Schnaudt, Christian (2010). **“Same but different: political confidence and institutions across Europe”**, University of Mannheim, Paper to be presented at the 3rd ECOR Graduate Conference, Dublin, Irland, 30 August- 1 September 2010 www.ecprnet.eu/conferences/graduate.../dublin/paper_details.asp?.

Schoon, Ingrid. Cheng, Helen. Gale, Catharine R. Batty, G. David & Deary, Ian. J (2010), “Social status, cognitive ability, and educational attainment as predictors of liberal social attitudes and political trust”, **Intelligence**, Vol. 38, No. 1

Winkler, Jurgen (2009), **Political Culture**. Encyclopedia of Political Communication, NewYork: SAGE Publications .[Online] <http://www.sageereference.com/politicalcommunication/Article_n505.html